

در پژوهش چالش‌های شهرنشینی در کشور؛

۸ مشکل کلیدی شهرهای کشورشناسایی شد

در پژوهشی که به تازگی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شده است به موضوع چالش‌های شهرنشینی در کشور پرداخته شده و ۸ چالش طرح و ۶ راهکار برای حل این مشکلات مطرح شده است.

به گزارش گروه اجتماعی ایسکانیوز، شورای عالی انقلاب فرهنگی پژوهشی را با عنوان چالش‌های شهرنشینی امروزین در ایران که توسط که توسط مرحوم دکتر رحمت‌الله صدیق سروستانی انجام شده را منتشر کرده است. این پژوهش است را می‌توان مطالعه‌ای فراگیر و مشتمل بر ارائه مبانی نظری شهرنشینی امروزین و نیز گزیده‌ای از مهم‌ترین چالش‌های مبتلابه فرآیند گذار به شهرنشینی امروزین در ایران دانست. در بخش مبانی نظری این پژوهش علاوه بر تعاریف و مفاهیم مقدماتی، نگاه‌های ناظر بر آغاز، شکل‌گیری و ویژگی‌های شهرنشینی امروزین در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تشریح شده است.

همچنین در واپسین بخش این دفتر، که مقدمه‌ای برای مطالعه موردی چالش‌های شهرنشینی در کشورمان است، پاره‌ای از عناوین چالش‌های شهرنشینی امروزین در ایران و برخی از کشورهای دیگر در حال توسعه ارائه شده است. دستاورد مهم بخش مبانی نظری، دریافت چشم اندازی از رخداد شهرنشینی امروزین، با لحاظ تمایزهای اساسی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و فراهم کردن زمینه استفاده از تعریفی خاص، برای گزینش عناوین چالش‌های شهرنشینی امروزین در ایران است.

همچنین با مبنا قرار دادن تعریف مزبور، هشت چالش کلیدی برگزیده شده و در پنج محور اصلی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، سبب‌شناسی، آسیب‌شناسی و فراگیرشناسی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

مطالعه هر چالش، نهایتاً به ارائه راهکارهایی انجامیده است که ویژگی مهم آن‌ها، برخورداری از ارتباط محتوایی با مطالعه انجام شده از لحاظ جوانب فرهنگی، اجتماعی و انسانی به مثابه یک ضرورت و قرارگیری در دو دسته کوتاه مدت و درازمدت و نیز تأکید بر عینیت و قابلیت اجرایی است.

رشد مشکلات شهرنشینی در ایران

در بخش دیگری از این پژوهش ضعف مسکن شهری، مهاجرت و حاشیه‌نشینی، معضل رشد بخش غیر متشکل و غیر رسمی اقتصادی، ضعف سرمایه اجتماعی، کاستی هویت شهری، ضعف طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، ناکارآمدی نظام حقوق ترمیمی و نقص در توسعه پایدار شهری، از جمله چالش‌هایی هستند که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

در بخش مربوط به تعاریف پژوهش چالش‌های شهرنشینی امروزین در ایران آمده است تعریف شهر بر حسب معیارهای ثابت، چه چیزی را برای ما روشن می‌کند؟ مطابق تعریف ۱۳۶۵ سال در ایران نقاطی که شهرداری دارند، شهر هستند همچنین بر اساس یافته‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ بیش از ۴۸ میلیون نفر از مردم کشورمان شهرنشین هستند.

علاوه بر این، مطابق همان آمار در کشور ۱۰۱۲ شهر وجود دارد اما سوال این است که این اعداد برای ما چه معنایی دارند؟

اصولاً چرا مسائل مبتلابه شهرنشینی در ایران همواره رو به فزونی هستند و چرا در حالی که می‌دانیم مسائل شهرها اصلاً ساده و مشابه مسائل روستاها نیستند، همیشه در قبال آنها ساده‌اندیشی می‌کنیم و می‌پذیریم که در دو نقطه برنامه‌ریزی‌های کلان و انجام ناشدنی و راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و زیان‌آور متوقف باشیم؟

البته این ادعا گزاف نخواهد بود اگر بگوییم که شهرها در دنیای مدرن، با فلسفه زمان خود در همراه و هماهنگ بودند و اصولاً اقدام به شهرنشینی امروزی اقدام به اجرایی کردن فلسفه مدرن بود.

زندگی شهری یک بازی است که شهروندان همواره آن را از میانه دنبال می‌کنند

زندگی شهری یک بازی است که شهروندان همواره آن را از میانه دنبال می‌کنند و تجربه زندگی در میان تعداد زیادی از انسان‌هایی که بسیاری از آنها گذشته‌های مشترکی با دیگران ندارند و حتی به قصد گونه‌ای فراموشی به شهر گام می‌گذارند، موجب می‌شود هر شهروندی مسیر دشواری برای ادراک آنچه که تجربه یا خاطره جمعی شهر تلقی می‌شود، پیش رو داشته باشد و حتی ادراک نمادهای شهری نیز بیش از آنکه در خدمت اشتراک ادراکات باشد، به ابهامات معنایی شهر یاری می‌رساند.

در ادامه پژوهش چالش‌های شهرنشینی امروزی در ایران آمده است: محورهای اصلی مطالعه اکولوژیکی شهر عبارتند از: تعداد، ترکیب و تحرک ساکنین آن چون شدت تحرک و تراکم جمعیت شهری در بازار - مراکز تجاری شهر - به اوج خود می‌رسد.

البته افزایش امکانات و تسهیلات مربوط به حمل و نقل و ارتباطات شهری در ارتباط متقابل و تنگاتنگ با دو عنصر تراکم و تحرک جمعیت، زائل‌کننده‌انگیزه‌های همسایگی است و به نظر یکی از محققین مسائل اجتماعی همین عناصر مرادف با حضور جرم، طلاق و اختلالات روانی در شهر هستن و متقابلاً شاخص‌های مناسبی برای اندازه‌گیری آن ناپهنجاری‌های شهری نیز هستند.

رشد شهرها همراه است با جایگزینی روابط غیر مستقیم به جای روابط مستقیم و چهره به چهره انسان‌های شهرنشین و این همان نیروئی که همسایگی را در جامعه شهری از بین می‌برد و گروه‌های اولیه را نیز منهدم می‌کند.

از نظر محققان هر عاملی که تحرک را زیاده‌تر کند - مانند رشد امکانات حمل و نقل و نظام ارتباطات - بر حیات گروه اولیه اثر معکوس دارد و مثلاً رشد سواد و تعلیم و تربیت، روزنامه را جایگزین گفتگوهای بین اشخاص می‌کند.

از جانب دیگر تلاش برای تأمین منافع شخصی، زائل‌کننده رفتار احساساتی است و در شهر مدرن پول ابزار اصلی است، زیرا ارزش‌ها را عقلانی و منافع را جایگزین عواطف می‌کند و بنیان همبستگی اجتماعی را نیز به همین شکل و ترتیب تغییر می‌دهد.

از نظر دکتر سروستانی عمده‌ترین مشکلات و معضلات تهران عبارتند از: نبود راهبرد برای توسعه شهر، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه بر، نبود اتفاق نظر در مورد چشم‌انداز و رسالت شهر، عدم تناسب فعالیت‌ها با ظرفیت‌ها و توان زیست بوم شهر، ناهماهنگی مدیریت شهری، نامطلوب بودن نظام درآمد - هزینه شهری، عدم انسجام و یکپارچگی در برنامه‌ریزی، کمبود ناوگان حمل و نقل شهری و پیراشهری، آلودگی محیط زیست.

این پژوهش به عنوان راه حل این معضلات و مشکلات به تعیین نقش و وظائف شهر، تمرکز زدایی در چارچوب نظام متمرکز، ایجاد نهاد برنامه‌ریزی شهری، توجه به مدیریت یکپارچه، تهیه و تدوین طرح راهبردی شهر، تقویت دموکراسی و مشارکت اثر بخش مردم اشاره کرده است

در بخش مربوط به تشریح مشکلات و تبیین راه‌حل این مشکلات آمده است: فهرست عناوین مشکلات، با نبود راهبرد توسعه شهر آغاز می‌شود و این مشکل در حیطه شهرسازی قرار می‌گیرد اما به این واسطه نمی‌توان طرح آن از سوی کارشناسان جمعیت‌شناسی را مردود دانست.

تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه بر عنوان مشکل دوم است؛ این مشکل، باید در حوزه تحلیل شرایط شکل‌گیری نظام نخست شهری مورد مذاقه قرار گیرد و خلاصه کلام آنکه این مشکل نیز واقعیت دارد چون همه می‌دانند که تهران در سال ۱۳۸۵ علی‌رغم بهبود ایجاد شده در مقایسه با سال ۱۳۵۵ همچنان با داشتن جمعیتی که بیش از ۳ برابر جمعیت شهر دوم ایران است؛ محل تمرکز اکثریت قاطع امکانات اقتصادی و سرمایه‌ای است.

مشکل سوم نبود اتفاق نظر در مورد چشم‌انداز و رسالت شهر است؛ طرح‌کنندگان مسأله نگفته‌اند که تعریف مقبولشان از رسالت شهر چیست؟ و اگر منظور کارکرد شهر در مجموعه ملی است که در آن صورت رسالت تهران در آن روشن است و به هر رو این مشکل نیازمند تبیین است.

موضوع مهم دیگر عدم تناسب فعالیت‌ها با توان و ظرفیت زیست بوم مشکل بعدی است و طرح این مشکل می‌تواند مفید باشد، اگر که در جای مناسبی از صورت مسأله قرار بگیرد.

ناهماهنگی مدیریت شهری، عنوان مشکل بعدی است البته چنین عنوانی نباید در فهرست مشکلات قرار بگیرد چون هماهنگی مدیریت شهری، یک گزاره ابطال‌ناپذیر است یعنی چه کسی می‌تواند چنین ناهماهنگی را گزارش کند؟ به همین دلیل باید جای آن از عدم تناسب در نظرگاه‌های حاکم بر مجموعه حکمران شهری و احتمالاً ناسازگاری این مجموعه حکمرانی، با نظام حکمران دولتی سخن گفته شود.

مشکل مطرح شده بعدی، نامطلوب بودن نظام درآمد - هزینه شهری است و صد البته این مشکل واقعیت دارد، اما باید به شکلی مطرح شود که بتوان از آن راهکاری برای اقدام در سطح شهری استنتاج کرد.

عدم انسجام و یکپارچگی در نظام برنامه‌ریزی شهری عنوان بعدی است البته این مشکل نیز قابل بررسی نیست؛ فرق این مشکل، با عنوان ناهماهنگی مدیریت شهری چیست؟ البته فرق‌هایی دارند، اما در ابطال‌ناپذیر بودن مشترک‌اند.

موضوع مهم دیگر کمبود ناوگان حمل و نقل شهری و پیراشهری است که هم واقعیت دارد و هم قابل انکار هم نیست. آلودگی محیط زیست شهری مشکل آخری است که بدان اشاره شده و همانند مورد پیشین می‌توان آن را بسیار ملموس تلقی کرد.

در بخش مربوط به راه‌حل‌های مشکلات شهر تهران نیز آمده است: اولین راه حل مطرح شده تعیین نقش و وظائف شهر است؛ این راه حل از آن دست راه حل‌هاست که عوامل دست‌اندرکار اجرایی آن حرف کلی و انتزاعی می‌گویند چون در نظام اجرایی کنونی که دچار ناتوانی در پیگیری برنامه‌های پیشین و سرشار از عوام زدگی و روزمرگی است، چنین حرف‌هایی مورد استقبال واقع نمی‌شوند.

راه حل دوم تمرکززدایی در چارچوب نظام متمرکز است و این راه حل نیز مشمول همان حکم قبلی است. سوابق این حرف‌های انتزاعی را که گاه مدت‌های طولانی موضوع بحث هم بوده‌اند، می‌توان از بایگانی‌های نهادهای شهری گرفت و مطمئناً حرف‌های منسجم‌تری نیز بوده‌اند که طرح شده و با احترام بایگانی شده‌اند.

راه حل چهارم ایجاد مدیریت یکپارچه است؛ متأسفانه این حرف هم بهتر است با عوامل اجرایی در میان گذاشته نشود زیرا آنها در نظریه پردازی درباره مدیریت یکپارچه، بسیار حرفه‌ای‌تر از کارشناسان و بر دلایل عدم اجرای آن بسیار آگاه‌ترند در این مجال فرصت آن نیست اشاره کنیم که چرا همواره مدیریت یکپارچه، معنائی داشته است که بیش از آنکه به انسجام مربوط باشد تداعی گر سازمان عمودی بوده است.

تهیه و تدوین طرح راهبردی شهر، راه حل پنجم است؛ این هم بسیار عجیب است زیرا می‌دانیم نخست شهر تهران در نیم قرن گذشته، سه طرح جامع را پشت سر گذاشته و بدون آنکه بخواهیم به جزئیات آن طرح‌ها بپردازیم باید بگوییم که پیشنهاد یک طرح جامع راهبردی از سوی یک تیم دانشگاهی، با لحاظ وجود طرح‌های جامع و نیز انتقادات فراوانی که به این طرح‌ها وارد است.

نتیجه‌ای که از مجموعه مشکلات و راه‌حل‌های مطرح شده می‌توان گرفت آن است که در حالی که برخی مشکلات ملموس وجود دارند و نیز پاره‌ای از مسائل به درستی تشخیص داده می‌شوند، در بخش راه‌حل‌ها، گونه‌ای انتزاع و کلی‌پردازی وجود دارد که تمام تلاش صورت گرفته در بخش تشخیص مشکلات را بی‌ثمر می‌سازد.

انتهای پیام /